

گزارش دکتر سریع القلم



مجمع جهانی اقتصاد برای پنجاه و چهارمین بار در شهر داؤس سوئیس برگزار شد و شامل حضور ۲۸۱۲ شرکت کننده از ۱۲۵ کشور و برگزاری ۴۵۰ جلسه/میزگرد بود. حضور بالای شرکت کنندگان از آمریکا، انگلستان، سوئیس، هند، عربستان، امارات، چین، آلمان و هلند در اجلاس مشخص بود و حضور هند و عربستان پررنگ بود. سخنان نخست وزیر ویتنام در اجلاس تحت تاثیر قرار گرفت و ویتنام به عنوان یکی از Hub های فناوری و تولید در آسیا شناخته شد.

مقدمه

مجمع جهانی اقتصاد، اجلاس سالانه خود را برای پنجاه و چهارمین بار در شهر داؤس سوئیس طی روزهای ۱۵ تا ۱۹ ژانویه (۲۵ و ۲۹؛ ndash دی ماه) برگزار کرد. در این اجلاس، ۲۸۱۲ شرکت کننده، ۸۹۹ سخنران، ۱۴۴۸ سازمان و بنگاه، ۳۵۰ مقام دولتی از ۱۲۵ کشور شرکت کردند و ۴۵۰ جلسه/میزگرد برگزار شد. حدود ۷۵۰ نفر از شرکت کنندگان از آمریکا بودند. کشورهای بعدی از نظر تعداد بالای شرکت کننده عبارت بودند از: انگلستان، سوئیس، هند، عربستان، امارات، چین، آلمان و هلند. خارج از جهان غرب، هند و عربستان حضوری پررنگ داشتند و در سخنرانان آنها انرژی، امید، حس تعلق قوی به کشور، تسلط بر موضوعات و اعتماد به نفس موج می زد. با توجه به اقدامات دولت بایدن طی سالهای ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ که محدودیت هایی برای سرمایه گذاری بخش خصوصی آمریکا در چین ایجاد کرده است، چینی ها در سخنرانی ها و اظهارات خود تلاش می کردند جهان را برای کار و فعالیت در کشور خود تشویق کنند. در اجلاس ۲۰۲۴، حتی یک نفر از داخل روسیه دعوت نشده بود و فضای جلسات به شدت ضد روس بود. وقتی سخنرانی زلنسکی رئیس جمهور اوکراین پایان یافت، حضار بالغ بر ۲۰۰۰ نفر برای ۶ دقیقه به طور ایستاده برای او که سخنان تندی علیه روسیه و رئیس جمهور آن ایراد کرده بود، دست زده و تشویق کردند. در میان رهبران جهان شاید سخنان عمومی و خصوصی نخست وزیر ویتنام بسیاری را تحت تاثیر قرار داد. او گفت که کشورش تاریخ سختی را با آمریکا و چین تجربه کرده ولی در دهه ۱۹۹۰ هیئت حاکمه آن کشور وضعیت زندگی، منافع ملی و ثروتمند شدن ویتنام را بر تسویه حساب تاریخی با قدرت های بزرگ ترجیح داد. ویتنام امروز با هیچ قدرتی توافق نظامی ندارد. به واسطه سیاست های حمایت از بخش خصوصی و مشوق های سرمایه گذاری خارجی، یکی از Hub های فناوری و تولید در آسیا شده و عموم بنگاه های IT در این کشور حضور فعال دارند.

IT

شاید نزدیک به ۸۰ درصد مباحث میزگردها و کارگاه های داوس ۲۰۲۴ حول محور IT و هوش مصنوعی بودند. فضای تئوریک این مباحث تحت تاثیر یک تحقیق مجمع جهانی اقتصاد پیرامون مخاطرات اقتصاد جهانی دو سال آینده از یک طرف و ۱۰ سال آینده از طرف دیگر بود. در **مخاطرات دو سال آینده**، لیست به ترتیب اهمیت به صورت زیر ارائه شده است: (۱) اطلاعات نادرست در فضای مجازی (۲) (Misinformation)، رخدادهای شدید آب و هوایی (۳) (Extreme Weather Events)، دو قطبی های اجتماعی (۴) (Societal Polarization)، ناامنی سایبری (Cyber Insecurity)، نزاع های مسلحانه بین دولت ها (۵) (Interstate Armed Conflict)، فقدان فرصت های اقتصادی (۶) (Lack of Economic Opportunities)، تورم (۷) (Inflation)، مهاجرت غیر داوطلبانه (۸) (Involuntary Migration)، نزول اقتصادی (۹) (Economic Downturn)، آلودگی هوا (۱۰) (Pollution). **مخاطرات ده سال آینده به ترتیب زیر هستند:** (۱) رخدادهای شدید آب و هوایی، (۲) تغییرات اساسی در اکوسیستم های کره زمین، (۳) از بین رفتن حیات وحش و تخریب اکوسیستم، (۴) کمبودهای منابع طبیعی، (۵) اطلاعات نادرست در فضای مجازی، (۶) خروجی های منفی فناوری های هوش مصنوعی، (۷) مهاجرت غیر داوطلبانه، (۸) ناامنی سایبری، (۹) دو قطبی های اجتماعی و (۱۰) آلودگی هوا.

تفاوت میان کشورها و بخش خصوصی آنها در سرعت دسترسی به فناوری های جدید برای مقابله با این مخاطرات است. **به تعبیر یک وزیر هوش مصنوعی، کشورهایی که مجهز به هوش مصنوعی نیستند، در میان ملل تمام شده تلقی خواهند شد.** جوامعی که در هوش مصنوعی آموزش نمی بینند، در عمل توانایی ایجاد اشتغال را از دست می دهند. هوش مصنوعی به بهره وری، نوآوری، افزایش تولید، کسب سهم بازار بالاتر و رشد اقتصادی می انجامد. به عنوان مثال شرکت Qualcomm با BMW قرارداد بسته تا تمام امور یک خودرو از مسائل/هشدارهای فنی، ایمنی، دسترسی به تعمیرگاه و حتی گرفتن وقت از تعمیرگاه را داخل خود خودرو تعبیه کند. با توجه به گرم شدن درجه هوا در منطقه عربی خلیج فارس طی دو دهه آینده، این دولت ها با ایجاد رقابت میان شرکت ها به ارائه روش های مقابله با گرما از طریق هوش مصنوعی مبادرت ورزیده اند. اگر هوش مصنوعی در یک کشور رایج نشود، عملاً حکمرانی سنتی بوده و از کوران تحولات بین المللی عقب می ماند. امارات، هم مقامات را در هوش مصنوعی آموزش داده و هم از کلاس پنجم دبستان بچه های مدارس را با این فناوری ها آشنا می کند. چین حدود ۴۰۰ هزار شرکت خصوصی در فناوری های جدید دارد. این مقیاس از رشد بخش خصوصی در چین، یک طبقه متوسط حدود ۴۰۰ میلیون نفری ایجاد کرده که پیش بینی می شود تا سال ۲۰۳۰ به ۸۰۰ میلیون نفر برسد که ثروت قابل توجهی مستقل از دولت و حاکمیت چین خواهند داشت. چین برای تسهیل این نظام نوآوری و فعالیت، ۶۰۰ کنوانسیون بین المللی را قبول کرده تا خود را بخشی از جامعه جهانی معرفی کند و از این طریق توانسته ۹ درصد از سرمایه گذاری خارجی را در کل جهان جذب کند. سهم چین در تولید جهانی حدود ۳۰ درصد است که طی ۱۴ سال گذشته به طور مرتب رتبه اول را کسب کرده و در حال حاضر نرخ رشد ۵.۲ درصد را تجربه می کند. یکی از چالش های بحث هوش مصنوعی این است که دقیقاً کدام قسمت ها به اشتغال بیشتر خواهد انجامید. این به نحوه سرمایه گذاری دولت ها در این عرصه ربط پیدا می کند. به عنوان مثال لایحه کاهش تورم (Inflation Reduction Act) و لایحه تراشه و علم (The CHIPS and Science Act) در آمریکا و سرمایه گذاری ۱۲۵ میلیارد دلاری هند در ساختار عمرانی دیجیتال، محرکه های رشد و توسعه هوش مصنوعی خواهند بود. پیش بینی می شود بازار هوش مصنوعی در بهداشت و درمان در سال ۲۰۳۰ بالغ بر ۱۸۸ میلیارد دلار شود که ۴۹ درصد آن در آمریکای شمالی، ۲۳ درصد در اروپا، ۶ درصد در ژاپن و ۹ درصد در چین صرف خواهد شد. نوآوری در هوش مصنوعی تا ۴۰ درصد در آمریکا، ۲۷ درصد در چین و ۳۲ درصد در بقیه ۱۹۱ کشور جهان ثبت شده است. به طور طبیعی به میزانی که درآمد سرانه در کشورها افزایش می یابد، بهره برداری از نوآوری های هوش مصنوعی نیز ارتقا پیدا می کند. هم اکنون ارزش بازار نیمه هادی ها به بالای ۶۰۰ میلیارد دلار رسیده است. تا سال ۲۰۳۰ نقش تولیدات مبتنی بر هوش مصنوعی حدود ۱۵.۷ تریلیون دلار خواهد بود. هوش مصنوعی چالش های امنیتی فراوانی را نیز به همراه داشته است. بنگاه ها به تناسب درآمد و وسعت فعالیت و سهم بازار، هزینه های فراوانی در مراقبت از Data بنگاه های خود اعمال می کنند. هزینه های امنیت سایبری همچنان در حال افزایش است. یکی از جلسات مفید در این رابطه، تحقیقات خانم نیتا فراهانی (Nita Farahany) بود که مسائل حقوقی و اخلاقی مرتبط با استفاده از هوش مصنوعی را در کتابی تحت عنوان **The Battle for Your Brain** به رشته تحریر درآورده است.

انرژی پاک

با توجه به رشد جمعیت جهان به ۱۰ میلیارد نفر تا سال ۲۰۵۰، موضوع انرژی و کارآمدی در استفاده از انرژی نه تنها در غرب بلکه در چین از موضوعات کلان حکمرانی نوین است. ۱۰ سال پیش از هر

۲۵ خودرو یک خودرو الکتریکی بود که هم اکنون به یک خودرو از هر ۵ خودرو رسیده است. چینی ها ۸۰ درصد باتری های خودروهای الکتریکی در جهان را می سازند که از حدود ۲۰ سال پیش سرمایه گذاری بر روی آن را آغاز کرده اند. ۴۰۰۰ شرکت در جهان اقدامات اساسی برای افزایش کارآمدی در استفاده از انرژی را در مجموعه بنگاه های خود از تأسیسات تا تولید آغاز کرده اند. ساخت نیروگاه هسته ای در جهان به طور تصاعدی برای انرژی پاک و جلوگیری از افزایش گاز دی اکسید کربن آغاز شده است. با اینکه ۷۰ درصد برق فرانسه از نیروگاه های هسته ای است، درعین حال از تابستان امسال ساخت ۸ نیروگاه هسته ای جدید آغاز خواهد شد. هوش مصنوعی در صرفه جویی انرژی نقش اساسی را در جهان ایفا خواهد کرد. ۸۵ درصد صنعت برق کانادا از انرژی های پاک تولید می شود. آلمان در سال ۲۰۲۳ توانست بیست درصد در ساختار انرژی خود، کربن زدایی کند. کربن زدایی (Decarbonization) به عنوان یک نهضت جهانی به ویژه در کشورهای غربی و به طور فزاینده ای در کشورهای در حال توسعه آسیایی رواج پیدا کرده است. وقتی یک کارآفرین ژاپنی به این نویسنده کارت شرکت خود را داد، یادآور شد که در تولید آن از فناوری تبدیل دی اکسید کربن به کاغذ استفاده شده است. همچنین در یک کارگاه تخصصی کربن زدایی، یک کارآفرین استرالیایی جزئیات فناوری های شرکت خود در تبدیل دی اکسید کربن به مصالح ساختمان را توضیح داد. دبیر سازمان انرژی تاکید کرد دولت ها مسئولیت سنگین تنظیم استاندارد برای مدیریت رفتار بنگاه ها و خانوارها در استفاده بهینه از انرژی را بر عهده دارند. دبیر این سازمان خاطر نشان ساخت که این استانداردها در جوامعی قابلیت اجرای دقیق و قانونمند را دارند که در آنها ثبات اجتماعی-سیاسی از یک طرف و نرخ فزاینده رشد اقتصادی وجود داشته باشد. اروپایی ها سرمایه گذاری گسترده ای را در صنعت حمل و نقل ریلی برای کاهش اکسید کربن آغاز کرده اند، به طوری که فقط آلمان ۴۰ میلیارد یورو در این راستا هزینه خواهد کرد. در ایالت یوتای آمریکا چندین پروژه تولید هیدروژن به عنوان سوخت و باتری با تخفیف های دولت فدرال آمریکا آغاز شده است. بیشترین سرمایه گذاری و منبع سودآوری در هوش مصنوعی در بخش بهداشت و درمان خواهد بود. به طور کلی، هر ۱۰۰ دلار سرمایه گذاری در ساختار عمرانی یک کشور ۳۶۰ دلار بهره وری تولید می شود.

مدل جدید کسب و کار

در یکی از کارگاه های حکمرانی، محقق به نام Andrew McAfee کتاب جدید خود را تحت عنوان The Geek Way معرفی کرد. در این کتاب مدل های بنگاه داری مدرن مورد بررسی قرار گرفته است. اگر در گذشته از طریق مشخص کردن اهداف، جزئی کردن افق ها، عملیاتی کردن اهداف/ افق ها و گماشتن تیم هایی برای تشکیل جلسه جهت تحقق اهداف بنگاه ها طراحی و مدیریت می شد، هم اکنون بنگاه ها دو گروه عمده دارند و بسیاری از گروه ها و جلسات و تشکیلات هرمی برچیده شده اند. آن دو گروه عبارتند از: گروه فناوری و گروه جذب مصرف کنندگان و مشتریان. شرکت Netflix که در سال ۱۹۹۷ با اجاره دادن ویدیو آغاز به کار کرد، ولی اکنون خود به تهیه کننده فیلم تبدیل شده و از این طریق سرمایه گذاری و با استفاده از فناوری های جدید Market Capitalization آن به ۲۰۰ میلیارد دلار رسیده است و بالاتر از ۲۰ درصد فروش جهانی در فیلم و محصولات هنری را به خود اختصاص داده است. در این کارگاه گفته شد که بنیان موفقیت بنگاه های مانند تسلا، VW، اپل و SpaceX استقلالی است که به گروه های فناوری برای ابداع داده شده است. در بنگاه داری جدید، مدیریت از راس هرم به سوی اعطای مسئولیت به گروه های کوچک فناوری و منبع ابداع و نوآوری حرکت کرده است. از این منظر دسترسی به اطلاعات مربوط به شهروندان، مشتریان و مصرف کنندگان، جنبه کانونی در رشد اقتصادی و توسعه مبتنی بر فناوری به خود گرفته است. چینی ها از طریق مشارکت اقتصادی (Joint Venture) با شرکت های متوسط فناوری در ژاپن و آمریکا و غرب اروپا تلاش می کنند از دیتاهای مصرف کنندگان و درخواست های آنان و بازارهای مصرفی جدید مطلع شوند. این تحولات باعث شده تا اقتصاد جهانی از مفهوم جهانی شدن (Globalization) به باز جهانی شدن (Re-globalization) سیر کند، به طوری که مشارکت ها دیگر در درون غرب نیست، بلکه میان صنعتی و نیمه صنعتی، توسعه یافته و در حال توسعه، جهان اول و جهان سوم ظهور پیدا کرده است. به عنوان مثال هند با ۱۰۰ کشور جهان مشارکت (Partnership) تولیدی و فناوری دارد. در هیچ مقطعی جوامع و کشورها تا این حد به این درجه از وابستگی متقابل دست نیافته بودند. وابستگی متقابل شرق آسیا و آمریکا باعث سخت تر شدن رقابت شده است. روسای بنگاه های بزرگ آمریکایی مانند مایکروسافت، فیسبوک، شرکت های بزرگ نفتی و بانک ها اظهار می داشتند که بعضی وقت ها بخش فناوری آنها به هیئت مدیره اطلاع می دهد که سه ماه در تراشه خاصی از بنگاه های مشابه چینی یا غیر چینی جلوتر هستند. بنابراین، موضوع زمان و سرعت تولید فن آوری به سطح رقابت چند ماهه به جای چند ساله رسیده است.

ماهیت قدرت در کشورهای بزرگ

نقش دولت ها و حاکمیت ها در مدیریت منطقی این فرایند رقابتی تعیین کننده است. رئیس شرکت کوکاکولا که مرکزیتی در هند برای بازارهای آسیایی خود ایجاد کرده و ۳۵۰ هزار نفر هندی را در استخدام خود دارد، حدود ۸۰۰ میلیون دلار در این کشور سرمایه گذاری کرده است. او معتقد بود که دولت هند به مراتب از جامعه و بخش خصوصی در استفاده از فناوری، تسهیل فرایندهای تولید، نظام آموزشی و سرعت در تصمیم سازی جلوتر است. دولت هند در دوره کرونا برای ۵۱۰ میلیون نفر برای اولین بار حساب بانکی باز کرد و برای ۹۵۰ میلیون نفر کارت شناسایی دیجیتال برای انتخابات صادر کرده است، نرخ تورم را بین ۴ تا ۶ درصد حفظ کرده و فضای کسب و کار را نه تنها برای بخش خصوصی خود بلکه سرمایه گذاری خارجی از طریق رشد بی سابقه فناوری و ساختار دیجیتالی تسهیل کرده است. هند هم اکنون در عموم محافل بین المللی صدای جهان سوم خطاب می شود و در اخذ حقوق و تسهیلات برای توسعه کشورهای جنوب نهایت تلاش خود را در قالب سازمان های بین المللی اعمال می کند و چهره مثبتی در غرب و شرق از خود به جای گذاشته است. چینی ها، هندی ها و حتی ویتنامی ها عموماً معتقدند خارج از قواعد نظام بین الملل موجود نمی توان ثروت تولید کرد و مشکلات اجتماعی-اقتصادی را حل کرد. اصل، راضی نگه داشتن شهروندان از طریق شاخص های اقتصادی است و چون غرب به جنوب در تامین مواد اولیه، نیروی کار ماهر، بازار مصرفی، فرایند تولید و بنگاه های پلنفرم که بخش هایی از خط تولید را بر عهده می گیرند نیاز دارد، شرایط جهانی بهترین فرصت را برای ثروتمند شدن جنوب و در نتیجه حفظ استقلال سیاسی فراهم آورده است. کشوری که ثروت تولید نکند نمی تواند استقلال سیاسی داشته باشد. وقتی کشوری در قالب مشارکت های اقتصادی و سازمان های منطقه ای و بین المللی به صورت دسته جمعی تصمیم بگیرد و عمل کند، کمتر اشتباه می کند. امنیت ملی از کانال های تولید ثروت عبور می کند. روسیه که امنیت را بر ثروت یابی ترجیح داد، در نهایت تمام ارتباطات فناوری خود را با اروپا و آمریکا از دست داد و مشارکت های فناوری آن تعطیل شد و هم اکنون آینده اقتصادی روسیه در بیجینگ رقم می خورد. اگر روسیه از ۱۹۹۱ که شوروی از هم پاشید وارد شبکه فناوری جهانی شده بود و وابستگی متقابل با اروپا و آمریکای شمالی در زنجیره تولید ایجاد کرده بود، شاید ۱۰ کشور به عضویت جدید ناتو در مرکز و شرق اروپا در نیامده بودند و موضوع به اوکراین و پی آمدهای آن نمی رسید. اشتباه استراتژیک روسیه که به واسطه ناتوانی های تئوریک رهبران آن حاصل شد این است که امنیت را می خواهد از طریق تسلیحات به دست آورد و نه تولید ثروت و ورود در اقتصاد جهانی. روسیه که هر نوع فلز و معدن قابل تصور در کره زمین را در خاک خود داراست، توانمندی های قابل توجهی در علوم مهندسی، کامپیوتر و فناوری دارد ولی به واسطه عدم درک صحیح از روندهای جهانی، این پتانسیل عظیم را به قدرت تبدیل نکرده است. حدود ۵۰۰۰ نفر از بهترین های مهندسی و علوم پس از جنگ اوکراین از روسیه به آمریکا و کانادا مهاجرت کرده اند در حالی که روسیه می توانست با سرمایه گذاری و ادراک عمیق از روندهای جهانی زودتر از چین قدرتمند شود. یکی از کتاب هایی که در رابطه با توانمندی های آمریکا در انتقال دیتا از طریق فیبر نوری، که عمدتاً از این کشور عبور می کند مورد توجه قرار گرفت، این عنوان بود:

Underground Empire: How America Weaponized the World Economy, by Henry Farrell and Abraham Newman

از این منظر، روسیه حدود نیم قرن از فهم جدید قدرت عقب است. تمام کشورهایی که به آمریکا، «نه» و «شاید» می گویند آن هایی هستند که توان فناوری و اقتصادی پیدا کرده اند. در سال ۲۰۲۳، آمریکا ۲۶ میلیارد دلار سرمایه خارجی برای سرمایه گذاری در هوش مصنوعی جذب کرد که این رقم شش برابر تامین مالی چین در همین عرصه است. اگر توان فناوری آمریکا نبود، نفت و گاز Shale تولید نمی شد و آمریکا در کمتر از یک سال نمی توانست جایگزین صادرات انرژی روسیه به اروپا شود. دلار در نود درصد تراکنش های جهانی مورد استفاده قرار می گیرد و حتی چینی ها علی رغم ۱۹ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی راه طولانی دارند تا شاخص ارزشیانشان توان تبادل گسترده جهانی پیدا کند. قدرت اقتصادی چین هنوز یک متحد قدرتمند تمام عیار برای آن ها در عرصه نظامی و امنیتی به ارمغان نیاورده است. کره شمالی کشور نیابتی چین تلقی می شود. در حالی که آمریکا ۵۴ متحد نظامی-امنیتی در سطح جهان دارد. این معنا از قدرت که ریشه در فناوری، آموزش و زنجیره تولید دارد، در میان عموم ملت ها به جز کره شمالی، کوبا، بلاروس و روسیه تعمیم پیدا کرده است.

در سال ۲۰۲۴، حدود سه میلیارد نفر در چهل کشور، مقامات اجرایی خود را انتخاب خواهند کرد. این جمعیت حدود ۶۵ درصد از تولید ناخالص جهان را تولید می کنند. در هیچ سالی در تاریخ دموکراسی، که امسال در سال ۲۰۲۴ یک قرنه شد، تا این حد انتخابات اروپا و آمریکا تعیین کننده نخواهد بود. با توجه به اینکه اروپایی ها نگران پی آمدهای جنگ اوکراین، کاهش نرخ رشد اقتصادی و مسایل زیست محیطی هستند، احتمال تمایل به احزاب دست راستی در این قاره افزایش پیدا کرده است. در عین حال نتیجه انتخابات آمریکا بر وضعیت هر کشوری در جهان اثر خواهد گذاشت. یکی از سخنرانی های جنجالی داوز ۲۰۲۴، دفاع رئیس جمهور جدید آرژانتین (Javier Milei) از نظام سرمایه داری و آزادی های اجتماعی، مدنی و سیاسی ناشی از سرمایه داری بود. او در سخنرانی مبسوطی به اسپانیایی که با هوش مصنوعی ترجمه شده بود، به ناکامی سیاست های چپ در مدیریت اقتصادی و سیاسی، نه تنها در آمریکای لاتین بلکه در مناطق دیگر جهان پرداخت. هرچند سخنرانی او از صورت بندی های دقیق آکادمیک برخوردار نبود اما، هم با واقعیت های تاریخی و هم با پی آمدهای نظام سرمایه داری برای آگاهی، دانش، آموزش، تشکل و تولید ثروت در جامعه بشری تطابق داشت. هرچند سرمایه داری فراز و نشیب های فراوانی داشته، ولی در انطباق با شرایط، تعدیل و انعطاف پذیری های فراوانی از خود نشان داده است. **موضوعات و مفاهیمی مانند تشکل، تخصص، سیستم، کارآمدی، واقع بینی، دقت، آینده نگری، برنامه ریزی و تسلسل از سرمایه داری وارد عرصه های اجتماعی و سیاسی شده است.** در حالی که سرمایه داری بیش از سه قرن سابقه تاریخی دارد ولی نتایج اجتماعی و مدنی آن یعنی نظام حزبی، گردش قدرت، انتخابات، تفکیک قوا، پاسخگویی، مشروعیت و مقبولیت تنها یک قرن است که جنبه جهانی به خود گرفته و تسری پیدا کرده است. در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین که سرمایه داری ناقص و انگلی (Parasite Capitalism) را تجربه کرده اند و بخش خصوصی آن ها دست در جیب حکومت داشته، نتیجه ای جز فساد، ناکارآمدی و اتلاف منابع در پی نداشته است. سخنرانی رییس جمهور آرژانتین و سخنان بعضی کشورهای کوچک آمریکای مرکزی و جنوبی در داوز حاکی از اهمیت پارادایم فکری-فلسفی رهبران، مالکیت خصوصی، محدود کردن دولت و اتصال به جهان برای شفافیت، قانون مداری و گردش قدرت بود.

چالشهای تبادلالت جهانی

یکی از افرادی که در جلسات اقتصادی داوز حضور بسیار پررنگی داشت، خانم Ngozi Okonjo-Iweala دبیر سازمان تجارت جهانی (WTO) بود. ایشان برای تشویق کشورهای جنوب در پیوستن به نهضت انرژی های پاک اشاره داشت که کربن زدایی (Decarbonization) به معنای صنعت زدایی (De-industrialization) نیست، بلکه افزایش بهره وری از انرژی در فرآیندهای تولید است. در انتقاد از سیاست های غربی، دبیر سازمان تجارت جهانی معتقد بود که غرب کمتر حاضر است بر اساس قواعد (Rule-based International System) عمل کند، بلکه بیشتر مبتنی بر قدرت انباشته شده خود مدیریت می کند (Power-based International System). او بر سرمایه داری رقابتی با اتکاء بر توزیع امکانات در سازمانی که ۷۵ درصد تجارت جهانی را قاعده مند می کند تاکید داشت.

مقامات و دانشگاهی های هند، چینی ها و اروپایی ها بر چندجانبه گرایی با رهیافتی مساوات جویانه در مدیریت اقتصاد جهانی اصرار می ورزیدند (Multilateralism). آمریکا به واسطه قدرت منحصر به فردی که در میان کشورهای بزرگ و میانی جهان دارد، نوعی از چندجانبه گرایی را ترویج می دهد که به طور طبیعی منافع بخش خصوصی و افزایش ثروت و برتری فناوری خود را حفظ کند. اقتصادهایی که حجم ۳-۶ تریلیون دلاری دارند، قاعدتاً به دنبال چندجانبه گرایی هستند و آمریکا با حدود ۲۶ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی، جایگاه متفاوتی برای خود قائل است. رتبه بندی در جهان هم چنان بر اساس تولید ناخالص داخلی و سطح هزینه های R&D می باشد. آمریکا از دوره قبلی ریاست جمهوری از سیاست جداسازی (Decoupling) استفاده می کرد ولی هم اکنون بیشتر بر اساس سیاست ریسک زدایی (De-risking) عمل می کند و حداقل در حوزه فناوری های پیچیده در تراشه ها و نیمه هادی ها، از خود محافظت می کند (Hedging). از مسایل غامض میان تبادل کالا/خدمات، فناوری و تولید این است که چگونه بازارها باز نگه داشته شوند اما فناوری خاص کشورهای قدرتمند در زنجیره تولید محصور بماند. جنگ تعرفه ها میان آمریکا و چین این موضوع را چند بعدی کرده و حوزه سیاست گذاری را با چالش های بیشتری روبرو کرده است. به عنوان مثال شرکت Nippon ژاپن که علاقه مند به خریداری شرکت فولاد آمریکا US Steel بود به واسطه بعضی فعالیت های این شرکت در چین، تایید وزارت خزانه داری آمریکا را کسب نکرد علی رغم اینکه ژاپن به عنوان یک متحد استراتژیک آمریکا قصد خرید این شرکت را داشت. آمریکایی ها نگران بودند که چین از طریق این شرکت ژاپنی به فناوری های جدید آمریکایی دسترسی پیدا کند. از منظر دیگری، اخیراً وزارت دادگستری آمریکا مانع از ادغام (Merging & Acquisition) دو شرکت هواپیمایی JetBlue و Spirit شد زیرا در دادگاه توانست اثبات کند ادغام این دو شرکت که با رقم ۳.۸ میلیارد دلار توسط JetBlue قرار بود انجام شود به انحصار بازار و افزایش قیمت ها می انجامید. این نوع موارد حاکی از یک تم (Theme) ثابت در عموم جلسات اقتصادی داوز بود که تا چه اندازه حکومت (State) بر جریان های اقتصادی و اجرای قانون مسلط است. **استانداردسازی حکومت در مدیریت اقتصادی، توصیه مشترک سیاست مداران، قانون گذاران و روسای سازمان های بین المللی بود.** در اقتصاد جهانی آنقدر سهام داران و ذی نفعان (Stakeholders) فراوان شده اند که فهم و ادراک متقابل و ایجاد اطمینان و اعتماد میان دولت، حکومت، عامه مردم، بانک ها، تولیدکنندگان و ارائه کنندگان خدمات در سیاست گذاری منطقی و اجرای قانون از اهمیت ویژه ای برخوردار شده، به طوری که تیم اجلاس داوز امسال، اعتمادسازی (Building Trust) بود. این اعتماد در همکاری در شرایطی از برجستگی بیشتری حکایت می کند که بدهی در جهان 300 درصد تولید ناخالص جهانی است و بدون همکاری و هماهنگی، بسیاری از چالش ها قابلیت مدیریت نخواهند داشت. عموم اقتصاددانان و سازمان های بین المللی باور داشتند در سال ۲۰۲۴ جهان رشد بالاتری خواهد داشت. یک علت افزایش جمعیت در آفریقا و آسیا است. در عین حال تقاضا برای مسافرت و حمل کالا نیز حاکی از بهبود وضعیت رشد است. فقط دو شرکت هواپیمایی هندی ۷۵۰ هواپیما سفارش داده اند (Air India & IndiGo). ایرباس ۵۶۲۶ و بویینگ ۸۶۰۰ سفارش هواپیما در دستور کار خود دارند. در حال حاضر شرکت های هواپیمایی ۲۷۴۰۰ هواپیمای مسافربری در اختیار دارند که پیش بینی می شود تا سال ۲۰۳۳ به ۳۶۰۰۰ فروند هواپیما ارتقاء پیدا کند. دو شرکت بزرگ جهانی حمل و نقل کالا (Maersk / Hapag-Lloyd) که روی هم رفته ۹۰۴ کشتی اقیانوس پیما دارند با همکاری های گسترده جدید و ادغام برنامه ها در پی آن هستند تا حمل کالا را ارزان تر و سریع تر انجام دهند.

دور نگه داشتن اقتصاد از سیاست

در داوز ۲۰۲۴، در ۴۵۰ جلسه و میزگرد فقط در حدود ۱۰ جلسه به مسایل سیاسی، امنیتی، منطقه ای و ژئوپلیتیک پرداخته شد و عموماً این اعتقاد وجود داشت که علی رغم بحران/جنگ در سه منطقه جهان (تایوان، اوکراین و غزه) اقتصاد جهانی در حال پیشرفت است. حتی ناامنی های منطقه دریای سرخ و کانال سوئز باعث افزایش قیمت نفت نشده زیرا عرضه نفت از تقاضا بالاتر است و در کنار این بحران های امنیتی و ژئوپلیتیک، رشد و توسعه اقتصادی در حال تحقق است. منطقه عربی خلیج فارس با صدها پروژه عمرانی و صندوق ارزی بالغ بر دو تریلیون دلار، یک منبع مهم سرمایه گذاری، کار مشترک و حتی رشد فناوری های جدید و Start-up ها هستند. پنج نخست وزیر منطقه آسه آن (ASEAN) باور داشتند که به موازات رقابت های نظامی-امنیتی آمریکا-چین در منطقه دریای چین جنوبی و پاسیفیک، اقتصاد همه کشورها در حال رشد است، بازارهای ASEAN مملو از کالاهای چینی است و سرمایه گذاری های دوجانبه و چندجانبه بین آسیا، اروپا، کشورهای عربی خلیج فارس و اروپای غربی رو به گسترش است. به عبارت دیگر، در جهانی زندگی می کنیم که حکومت ها اجازه نمی دهند ریل رشد اقتصادی با ریل بحران های سیاسی-امنیتی تلاقی پیدا کند بلکه با دیپلماسی و حسن همجواری، خود را حتی المقدور از تنش ها و بحران ها دور نگه می دارند.

چند نکته پایانی

داوز ۲۰۲۴، مثلث هوش مصنوعی، رقابت و فرصت های سرمایه گذاری بود. حدس این نویسنده از مشاهدات دور و نزدیک در راهروهای اجلاس این است که طی ۵ روز، نزدیک به دو هزار ملاقات میان دولت ها و شرکت های مختلف جهان، جهت بهره برداری از فرصت های سیاست گذاری و کار مشترک انجام گرفت. همه در پی همکاری، تعامل، کاهش تنش ها، رفع سوء تفاهم ها و افزایش ثروت ملی بودند. **نخست وزیر ویتنام می گفت در کشور او ضرب المثلی می گوید: اگر می خواهی تند بروی، تنها برو ولی اگر می خواهی به افق های دوردست برسی، با هم و با دیگران حرکت کن.** او تاکید کرد رشد و توسعه امری جمعی است و بدون تعامل و یادگیری با همسایه و غیرهمسایه، سعادت ملت ها به دست نمی آید. **یکی از شگفتی های داوز این است که پنج رییس بانک مرکزی در**

میزگردی شرکت می کنند و طی فقط ۴۵ دقیقه، پیچیده ترین، دقیق ترین، عمیق ترین، دوراندیشانه ترین واژگان، جمله بندی ها، فرمول بندی ها و تحلیل های خود را در حداقل زمان، بیان می کنند. باهم دیالوگ دارند. به هم گوش می کنند. از یکدیگر می آموزند. برهم اثر می گذارند. از هم اثر می پذیرند. آن ها تمرکز ذهن دارند و به چهل سال آینده می اندیشند.

باز نشر از : sariolghalam.com